



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 4. Winter 2024

Received date: 2024.01.17

Acceptance date: 2024.04.09



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.4.10.9

The Spillover of Developments in the South Caucasus (2020-2023) on the Equations of West Asia

Mahdi Feizollahi¹, Hosein Pourahmadi Meibodi²



Abstract

The presence of the three regional powers of West Asia, Iran, Turkiye, and Israel, in the developments of the South Caucasus (2020-2023), has a direct impact on the interests of all three countries. This suggests the possibility that the results of developments in the South Caucasus will affect the equations of these three countries in West Asia. This is strengthened while the role of the United States of America in West Asia has diminished and has allowed the regional powers of West Asia to compete more for dominance in the region. Therefore, the main research question is how the 2020 and 2023 Karabakh wars in the South Caucasus have affected the equations of West Asia? In response to this hypothesis, it is proposed that the spillover of developments in the South Caucasus has emerged in the form of convergence, creating a balance of threat actors and also intensifying Iran's competition with Turkiye and Israel in Iraq. In this article, the data analysis was descriptive-analytical. The data of this research has been collected using library resources. The findings of the research confirmed the hypothesis that Azerbaijan and the Kurdistan Region have adopted convergence relations and have created a threat balance against the perception of the threat from Iran, in which Turkiye and Israel acted as catalysts. The increase in the threat from Turkiye has brought the PKK and Iraqi popular groups closer to each other and has set a threat balance against the feeling of a common threat from Turkiye.

Keywords: Iraq's Kurdistan Region, P.K.K, Balance of Threat, Iran, South Caucasus, West Asia.

1 - M.A. in Regional Studies, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2 - Professor, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی (۱۱۴)، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶.۱۹۸۶.۱۴۰۲.۳۰.۴.۱۰.۹

نوع مقاله: پژوهشی

سرریز تحولات قفقاز جنوبی (۲۰۲۰-۲۰۲۳) بر معادلات غرب آسیا

مهدی فیض‌اللهی^۱، حسین پوراحمدی میبیدی^۲



چکیده

حضور جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و اسرائیل به عنوان سه قدرت اصلی و منطقه‌ای غرب آسیا در تحولات قفقاز جنوبی به طور مشخص جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ که منافع هر سه کشور تحت تاثیر آن بوده، این امکان را پیش می‌کشد که نتایج تحولات قفقاز جنوبی بر معادلات آنها در غرب آسیا تاثیر بگذارد. این امر در حالی تقویت می‌شود که نقش ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا کم‌رنگ شده و قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا فرصت رقابت بیشتر برای تسلط بر منطقه را داشته‌اند. از این رو سوال اصلی پژوهش این است که جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ در قفقاز جنوبی چگونه بر معادلات غرب آسیا تاثیر گذاشته است؟ در جواب این فرضیه مطرح می‌شود که سرریز تحولات قفقاز جنوبی در قالب همگرایی، ایجاد موازنه تهدید بازیگران و همچنین تشدید رقابت‌های ایران با ترکیه و اسرائیل در عراق ظهور کرده است. این نوشتار با استفاده از مفاهیم موازنه قدرت، موازنه تهدید و همگرایی و روش تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش با تایید فرضیه نشان داد که آذربایجان و اقلیم کردستان روابط همگرایی اتخاذ کرده و موازنه تهدیدی علیه درک تهدید از جانب ایران ایجاد کرده‌اند که در این راستا ترکیه و اسرائیل نقش کاتالیزور را داشته‌اند. علاوه بر آن افزایش تهدید از جانب ترکیه، پ.ک.ک و گروه‌های مقاومت مردمی عراق را به یکدیگر نزدیک کرده و موازنه تهدیدی را علیه احساس تهدید مشترک از جانب ترکیه در مجاورت آنها رقم زده است.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان عراق، پ.ک.ک، موازنه تهدید، ایران، قفقاز جنوبی، غرب آسیا.

۱ - (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. M.Feizollahi@alumni.ac.ir

۲ - استاد، گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مقدمه

ایران و ترکیه چه در منطقه قفقاز جنوبی و چه در غرب آسیا از نظر تاریخی رقابت و منازعه داشته‌اند؛ به‌خصوص در زمان امپراطوری‌های صفوی و عثمانی که رقابت در قفقاز جنوبی منجر به تقسیم ارمنستان به دو بخش غربی در اختیار عثمانی و شرقی در اختیار صفوی شد. همچنین درگیری‌های این دو امپراطوری در منطقه عراق امروزی نیز وجود داشته است. این در حالی است که اسرائیل با ترکیه سیاست همکاری در عین رقابت را در غرب آسیا اتخاذ کرده‌اند اما در قفقاز جنوبی این دو کشور بیشتر همکاری داشته‌اند تا رقابت؛ این در حالی است که روابط ایران و اسرائیل بعد از انقلاب اسلامی تیره بوده است. از این رو تحت تاثیر قرار گرفتن منافع کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و اسرائیل در تحولات قفقاز جنوبی و به طور مشخص به دنبال جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ بر مناسبات این کشورها در سایر مناطق هم تاثیرگذار بوده است. منطقه غرب آسیا در مجاورت قفقاز جنوبی یکی از این مناطق است؛ به‌ویژه کشور عراق سال‌ها است که به میدان رقابت جمهوری اسلامی ایران و ترکیه مبدل شده است. این در حالی است که ایران و اسرائیل به‌عنوان دو کشور متخاصم از درگیری مستقیم اجتناب کرده و سعی بر آن داشته‌اند نزاع خود را به منطقه خاکستری انتقال دهند. این موارد در شرایطی است که کم‌رنگ شدن نقش و حضور ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا به دنبال تمرکز بر کنترل و مدیریت چین و همچنین منازعه شرق اروپا بین روسیه و اوکراین باعث شده تا رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا، به طور مشخص ترکیه، ایران، اسرائیل و عربستان، برای تسلط بر این منطقه تشدید شود.

بنابراین، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ در قفقاز جنوبی چگونه بر معادلات غرب آسیا تاثیر گذاشته است؟ در جواب این فرضیه مطرح می‌شود که سرریز تحولات قفقاز جنوبی در قالب همگرایی، ایجاد موازنه تهدید بازیگران و همچنین تشدید رقابت‌های ایران با ترکیه و اسرائیل در عراق ظهور کرده است. در این نوشتار از موازنه قدرت برای نشان دادن تحولات قفقاز جنوبی و همچنین همگرایی و موازنه تهدید برای تحلیل سرریز تحولات قفقاز جنوبی بر معادلات بازیگران در غرب آسیا استفاده شده است. همچنین تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی است. داده‌های این نوشتار با استفاده منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش ابتدا به منابعی که به تحولات قفقاز جنوبی پرداخته است، اشاره کرده و سپس به منابعی که به تاثیر تحولات قفقاز جنوبی بر غرب آسیا پرداخته‌اند، متمرکز شده است.

در کتاب «نظم نوین جهانی و مناطق کوچک: مطالعه موردی قفقاز جنوبی»^۱ اثر اودالیانی (۲۰۲۲)، نویسنده اعتقاد دارد که کتاب درک جامعی از تغییرات ژئوپلیتیکی در حال آشکار شدن در قفقاز جنوبی در عصر افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ در سراسر اوراسیا ارائه می‌دهد. تحقیقات اخیر در مورد ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی یا بر روابط بین دولتی ارمنستان، آذربایجان و گرجستان یا بر روابط هر یک از بازیگران منطقه چون روسیه، ترکیه و ایران با یک یا هر سه کشور منطقه متمرکز است.

مقاله «جنگ قره‌باغ کوهستانی ۲۰۲۰ و تغییر وضعیت موجود منطقه»^۲ اثر لیلیت هیراپتیان (۲۰۲۲) بیان می‌کند که چگونه تغییر وضعیت موجود پس از جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ بر موازنه قدرت ژئوپلیتیکی روسیه تأثیر گذاشته است و اشاره می‌کند که جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ترکیه را در منطقه و فراتر از آن برجسته کرده و در نتیجه ترکیه چگونه قفقاز جنوبی و به‌ویژه آذربایجان را به‌عنوان سکوی پرشی برای آرزوهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود می‌بیند. همچنین پیوندهای قوی‌تر با جمهوری‌های آسیای مرکزی، ترکیه را قادر می‌سازد تا واردات خود را متنوع کند و کمتر به روسیه و ایران وابسته شود.

مقاله «مناقشه قره‌باغ کوهستانی: یک تحلیل ژئوپلیتیکی»^۳ اثر هاگان یاپار و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کند مناقشه قره‌باغ کوهستانی بین ارمنستان و آذربایجان است، اما سایر بازیگران بین‌المللی با منافع در منطقه مانند روسیه، ترکیه، ایران و اسرائیل درگیر هستند. ترکیه و آذربایجان از روابط خود به‌عنوان رابطه‌ای بین «دو دولت، یک ملت» یاد می‌کنند و روابط اقتصادی قوی نیز دارند. روسیه از نظر نظامی و دیپلماتیک تاثیرگذارترین بازیگر در مناقشه قره‌باغ کوهستانی است. ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های اصلی منطقه، خود را در موقعیت حساسی در قبال مناقشه قره‌باغ می‌بیند. رابطه بین اسرائیل و آذربایجان را می‌توان به‌عنوان یک وضعیت برد-برد یا «دشمن دشمن من دوست من است» توضیح داد. منافع اسرائیل عمدتاً قیمت پایین نفت آذربایجان و از همه مهم‌تر مرز مشترک آن با ایران است. از آنجایی که بخشی از

1 - New World Order and Small Regions: The Case of South Caucasus

2 - The Nagorno-Karabakh war of 2020 and the change of the regional status quo

3 - Nagorno-Karabakh Conflict: A Geopolitical Analysis

آذربایجان کنونی، ارمنستان و ترکیه زمانی بخشی از امپراطوری ایران بودند، در نتیجه گذشته آن، بسیاری از آذری‌های قومی در سراسر ایران به‌ویژه در استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی هم‌مرز با آذربایجان زندگی می‌کنند.

مقاله «تأثیر مناقشه قره‌باغ کوهستانی بر منطقه غرب آسیا: سیاست عقب‌نشینی استراتژیک ایران و خطرات یک بازی جدید ژئوپلیتیکی در قفقاز»^۱ اثر والتینا پگالو (۲۰۲۱) با بررسی بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ با توجه به جنگ قره‌باغ و موضع ضعف ایران در آن منطقه به دنبال جنگ ۲۰۲۰ دسترسی لجستیکی اسرائیل به قفقاز جنوبی برای ایران بیش از هر زمان دیگری مهم شده است.

مقاله «جنگ قره‌باغ کوهستانی: واقعیتی جدید در قفقاز جنوبی و پیامدهای آن برای اتحادیه اروپا» اثر خاچاتریان هاسمیک (۲۰۲۰) که پیامدهای بحران قره‌باغ را بر اتحادیه اروپا بررسی کرده، نتیجه می‌گیرد که روسیه و ترکیه به‌عنوان قدرت‌های مسلط در قفقاز جنوبی ظاهر شده‌اند، در حالی که قدرت اتحادیه اروپا از نظر استراتژیک به دلیل واکنش ضعیف به وضعیت کاهش یافته است.

در مقاله «بررسی راهبرد موازنه فراگیر اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران» اثر نورمحمدی و دارینی (۱۴۰۲) نویسندگان به دنبال پاسخگویی به این سوال هستند که راهبرد «موازنه فراگیر» رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران دارای چه مولفه‌هایی هستند و کدام یک برای اسرائیل از اولویت بیشتری برخوردار هستند؟ بر این اساس یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دولت‌سازی و ملت‌سازی معیوب، که از ویژگی‌های خاورمیانه می‌باشد، ایران و اسرائیل را به پیروی از راهبرد «موازنه فراگیر» ترغیب کرده است. نتیجه می‌گیرند که اتحاد با دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های فرا منطقه‌ای، تقویت توان نظامی، ساخت عمق استراتژیک، نفوذ اطلاعاتی و تحریک شکاف‌های قومیتی در ایران اولویت‌های اسرائیل در «موازنه فراگیر» هستند.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت با اینکه در خصوص جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ و تحولات بعد از آن و تأثیری که بر منطقه قفقاز جنوبی گذاشته است مطالب زیادی وجود دارد، اما در مورد سرریز این تحولات یا تأثیر آن بر مناطق دیگر به‌ویژه غرب آسیا تا زمان نگارش این مقاله مطالبی تحت عنوان کتاب و مقاله نگاشته و منتشر نشده، هرچند به صورت پراکنده در برخی از سایت‌های اینترنتی اشاراتی

1 - The Impact of the Nagorno-Karabakh Conflict on the Middle East Region: Iran's Policy of Strategic Retreat and the Dangers of a New Geopolitical Game in the Caucasus

گذرا صورت گرفته است. بنابراین با در نظر گرفتن این خلأ، در این پژوهش به طور مشخص به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهیم که جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ در قفقاز جنوبی چگونه بر معادلات غرب آسیا تاثیر گذاشته است؟

۱. چارچوب نظری

در ژئوپلیتیک بر مبنای مکتب واقع‌گرایی سیستم به صورت آنارشیک در نظر گرفته می‌شود که در آن اصل خودیاری برجسته است. از این رو قدرت نقش اساسی برای دستیابی به اهداف بازیگران را داشته و جغرافیا به عنوان مولفه‌ای است که نقش فراهم‌کننده قدرت را دارد. به این ترتیب در روابط بین‌الملل از دیدگاه ژئوپلیتیک ذیل واقع‌گرایی، دولت‌ها به عنوان واحد اصلی بوده و کنش متقابل ماهیت سیاسی داشته و قدرت بر مبنای جغرافیا خواهد بود. بر این اساس بازیگران در اهداف خرد خود به دنبال قدرت و امنیت بوده و در اهداف کلان به دنبال تسلط بر مناطق مورد نظر خواهند بود و بر مبنای میزان تسلط خود بر منطقه مورد نظر، رضایت یا عدم رضایت، بر سیاست حفظ توازن قدرت و یا تغییر وضع توازن قدرت و پیگیری موازنه تهدید در منطقه تاکید می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۹۱-۱۹۰).

۱-۱. همگرایی از نظر ژئوپلیتیک

همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی هستند که هدف از اتخاذ هر کدام از این رابطه‌ها تأمین و یا تهدید منافع ملی بازیگران است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۵۰۳). همگرایی فرایندی است که دولت‌ها یا بازیگران مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی از اقتدار خود و اعمال آن جهت دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از یک قدرت برتر پیروی می‌کنند؛ انگیزه‌های اصلی دولت‌ها برای چنین همکاری‌های نزدیک، کسب کردن منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرایند همگرایی دست یافتن به آن برایشان غیر ممکن بود. برای همگرایی سه سطح تحلیل می‌توان در نظر گرفت: یکی در سطح نظام است، دومی در سطح منطقه‌ای و سومی ارتباط مستقیم با ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها دارد (قوام، ۱۳۹۸: ۴۳-۴۵). از این رو، برای برقراری همگرایی مسئله مهم شناسایی و یافتن عواملی است که بر ژئوپلیتیک یک کشور تاثیر می‌گذارد (باویر، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

۲-۱. موازنه قدرت

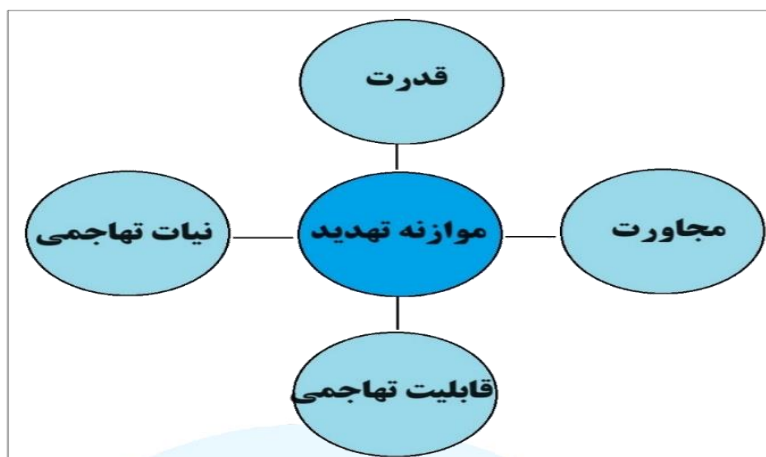
موازنه قدرت یکی از نظریه‌های کشمکش و منازعه است که مفهوم آن بر اساس شرایط بین‌المللی معانی مختلفی چون توزیع قدرت، تعادل قوا بین دو یا چند قدرت متخاصم و تفوق نیرو پیدا کرده

است (مجتهدزاده و امیری، ۱۴۰۰: ۳). از نظر مورگنتا «توازن قوا یک انتخاب سیاسی نیست بلکه امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است» (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۱۶). در همه این تعاریف مختلف نوعی اجماع در مورد موجودیت مفهوم قدرت وجود دارد و منظور آن است که در بطن تئوری موازنه قدرت این فرض نهفته است که همه روابط بین‌المللی ناشی از منافع ملی است که از طریق قدرت کسب می‌شود؛ بنابراین، اگر دولتی نتواند به صورت انفرادی به اهداف خود دست یابد، با ایجاد موازنه قدرت از طریق تشکیل ائتلاف روشن سعی می‌کند از این خطر دوری کند اما تشکیل ائتلاف، واکنش ملی یا گروهی مخالف را به دنبال خواهد داشت (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۵۴). از دیدگاه مورگنتا برای دستیابی به موازنه قدرت می‌بایست از این رویکردها استفاده کرد: ایجاد تفرقه در میان رقبای، استفاده از مسابقه تسلیحاتی، به کار بردن اصل غرامت، ایجاد اتحاد در برابر بازیگر در حال رشد و برقراری اتحاد در برابر اتحادهای مخالف شکل گرفته (Morgenthau, 1984: 96-110).

۳-۱. موازنه تهدید

استفن والت برای موازنه تهدید سه گزاره در نظر گرفته است؛ اول، دولت‌ها نه به قدرت بلکه به تهدید پاسخ می‌دهند؛ دولت‌ها له یا علیه دولتی دست به ائتلاف می‌زنند که بزرگ‌ترین تهدید علیه آنها است. دوم، سطح و میزان تهدید، متأثر از قدرت انبوه، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه قدرت تهدیدگر است؛ دولت‌های مجاور خطرناک‌تر از دولت‌های دوردست و قادر به ایجاد تهدیدات بزرگ‌تری هستند. سوم، دولت‌ها در مقابل تهدید یا اقدام به موازنه می‌کنند یا دنباله‌روی (Walt, 2013: 205-208). هر چقدر مولفه‌های یک دولت از نظر قدرت انبوه، مجاورت جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه در برابر سایر بازیگران پر رنگ باشد، دیگر بازیگران بر اثر احساس عدم امنیت و برای از بین بردن تهدید ایجاد شده در مقابل آن بازیگر دست به اتحاد و موازنه خواهند زد. با کم‌رنگ شدن این متغیرها در یک دولت، بازیگران دیگر احساس امنیت بیشتری کرده و احتمال ایجاد موازنه علیه آن دولت کم می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۳۶۸-۳۶۹).

شکل ۱: مدل مفهومی موازنه تهدید



(نگارندگان)

این نوشتار پس از بررسی پیشینه پژوهش و چارچوب نظری، برای ارائه تصویری روشن از سرریز تحولات قفقاز جنوبی ۲۰۲۰-۲۰۲۳ بر معادلات غرب آسیا بین بازیگرانی چون ترکیه، ایران و اسرائیل، ابتدا به نتایج جنگ دوم و سوم قره‌باغ در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ بر واحدهای سیاسی مانند ترکیه، ایران، آذربایجان و اسرائیل پرداخته است؛ سپس چگونگی سرریز تحولات قفقاز جنوبی بر غرب آسیا تحت عنوان تشدید رقابت ایران با ترکیه و اسرائیل و همچنین همگرایی جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان عراق تحلیل و بررسی شده است.

۲. تحولات قفقاز جنوبی (۲۰۲۰-۲۰۲۳)

جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ که با پیروزی جمهوری آذربایجان بر ارمنستان به پایان رسید، باعث آزاد شدن مناطق اشغالی آذربایجان شد. همچنین با انحلال حکومت خودخوانده قره‌باغ (آرتساخ) در منطقه قره‌باغ کوهستانی، آرامنه قره‌باغ را تخلیه کرده و به ارمنستان بازگشتند. به این ترتیب آذربایجان تقویت و ارمنستان تضعیف شد. از نظر منطقه‌ای نیز این جنگ‌ها در روابط بین بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای چون ترکیه، ایران و اسرائیل در قفقاز جنوبی و تضعیف و تقویت موقعیت منطقه‌ای آنها تاثیر گذاشت (پوراحمدی میدی و فیض‌اللهی، ۱۴۰۲: ۸۳-۸۸).

۱-۲. تقویت ترکیه در قفقاز جنوبی

ترکیه توانست به اهداف خود در جنگ دوم قره‌باغ برسد و بر اساس آن حضور و نفوذ خود را گسترش دهد. ترکیه توانست روابط ژئوپلیتیکی نزدیک با آذربایجان ایجاد کند تا از نفوذ روسیه در منطقه و همچنین وابستگی ترکیه به انرژی روسیه بکاهد (Dadparvar & Azizi, 2020: 480-481). اصلی‌ترین

اهداف ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ عبارت هستند از: توسعه ژئوپلیتیکی، کسب و تقویت موقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تأمین امنیت انرژی.

در وهله اول، ترکیه از لحاظ تاریخی برای هژمونی در قفقاز با روسیه رقابت داشته است، چیزی که در تلاش‌های امپراطوری عثمانی به سمت شمال در قرن هفدهم و اخیراً در نقش ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ در قامت یکی از اعضای ناتو در قفقاز جنوبی به نمایش گذاشته شد. جنگ دوم قره‌باغ روند ادغام نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین ترکیه و آذربایجان را تسریع کرد. در واقع، ترکیه با داشتن حوزه نفوذ در قفقاز جنوبی، اکنون چشم‌اندازهای بیشتری برای تقویت آن دارد. روابط نزدیک اقتصادی ترکیه با آذربایجانی‌ها احتمالاً بیشتر گسترش می‌یابد و این می‌تواند قدرت اقتصادی و سیاسی ترکیه را در قفقاز جنوبی تقویت کند (Askerov & Ibadoghlu, 2022: 265). رقابت با روسیه برای جاه‌طلبی «نئوعثمانی» ترکیه برای گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی و حضور نظامی خود در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی، غرب آسیا و شمال آفریقا یا حتی به چالش کشیدن قدرت‌های اروپایی، محوری بوده است. ماجراجویی‌ها در سوریه و لیبی توسط روسیه و ترکیه آنها را در آستانه درگیری قرار داده است (Mallick, 2021: 55).

دوم، ترکیه با حمایت از آذربایجان و دستیابی به پیروزی در جنگ دوم قره‌باغ توانست موقعیت یا قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تقویت کند. یکی از انتظارات آنکارا از جنگ دوم قره‌باغ ایجاد پایگاه نظامی در آذربایجان بود. در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰، خلوصی آکار، وزیر دفاع ترکیه و سرگئی شویگو، همتای روس خود، توافقنامه‌ای را برای ایجاد یک مرکز نظارتی مشترک توقف آتش‌بس در مناطق تحت کنترل آذربایجان امضا کردند. پارلمان ترکیه در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۰ استقرار نیروها را برای پیوستن به نیروهای روسیه در یک پست دیده‌بانی در قره‌باغ پس از امضای توافقنامه آتش‌بس با میانجیگری روسیه توسط ارمنستان و آذربایجان برای پایان دادن به درگیری‌ها بر سر این منطقه، تصویب کرد؛ بنابراین روسیه و ترکیه یک مرکز نظامی مشترک در آذربایجان افتتاح کردند (Askerov & Ibadoghlu, 2022: 265). آنکارا با حضور فعال در بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه و لیبی این پیام را برای بازیگران منطقه و دیگر قدرت‌ها مانند آمریکا و اتحادیه اروپا داشت مبنی بر اینکه ترکیه نسبت به بحران‌هایی که در منطقه رخ می‌دهد بی‌تفاوت نخواهد بود و نقش تأثیرگذاری دارد (Dadparvar & Azizi, 2020: 480-481). در نهایت ترکیه توانست امنیت انرژی وارده از سمت آذربایجان را حفظ و حتی افزایش دهد. وابستگی ترکیه به انرژی، کمبود منابع انرژی داخلی، افزایش شدید مصرف انرژی ترکیه، هزینه کمتر

حمل و نقل انرژی از آذربایجان در مقایسه با روسیه و در نهایت برخورداری از موقعیت بهتر برای انتقال انرژی به اروپا، همگی ترکیه را برای درگیر شدن در جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ و حمایت از آذربایجان بیشتر تشویق کرد (Dadparvar & Azizi, 2020: 480-481). در کل هر چند ترکیه توانست در قفقاز جنوبی جای پای خود را تقویت کند اما آنکارا نمی‌تواند به تنهایی موقعیت مسکو را به چالش بکشد (Meister, 2021: 5).

۲-۲. افزایش نفوذ اسرائیل در قفقاز جنوبی

اسرائیل به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ بود؛ بعد از جنگ نیز روابط آذربایجان و اسرائیل عمیق‌تر از قبل و مستحکم‌تر شد. در کنار ترکیه، اسرائیل با تجهیز ارتش آذربایجان با پهپادها (کامیکازه^۱) و تسلیحات نظامی خود باعث برتری نظامی در طرف آذربایجانی شد (محموداوغلی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۸؛ اخباری، ۲۰۲۰: ۲۴). همکاری استراتژیک بین آذربایجان و اسرائیل که در جنگ ۲۰۲۰ به نمایش گذاشته شد، باعث افزایش محبوبیت اسرائیل در بین عموم آذربایجانی‌های آذربایجان شده است. در طول جنگ و در جشن‌های عمومی پس از پایان جنگ، نمایش عمومی پرچم‌های اسرائیل اغلب با پرچم‌های ترکیه، پاکستان و آذربایجان همراه بود. همچنین بعد از این جنگ، آذربایجان باعث تقویت روابط بین اسرائیل و ترکیه شد به طوری که در آوریل ۲۰۲۱، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، پیشنهاد میزبانی نشست بین رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل را داد (Idan & Shaffer, 2021: 201-202). در طرف مقابل، حمایت اسرائیل از آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ نه تنها به روابط یهودیان با ارمنستان لطمه زد، بلکه محکومیت شدید جامعه ارمنی مسیحی ارتدوکس در اسرائیل را نیز برانگیخت که قبلاً به دلیل ناتوانی پارلمان اسرائیل در به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه آزردۀ خاطره شده بودند (Koç, 2023: 9).

فرودگاه‌هایی که بعد از جنگ دوم قره‌باغ در مناطق آزاد شده از اشغال ارمنستان ساخته شده، فرصت حیاتی را در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد تا با توجه به موقعیت نزدیک آن به مرزهای جمهوری اسلامی ایران عملیات احتمالی نظامی یا اطلاعاتی خود را انجام دهد (Nakanishi, 2023: 33-34). در مجموع مشارکت استراتژیک بین اسرائیل و آذربایجان بعد از جنگ دوم قره‌باغ گسترش یافته است و این

مشارکت در آینده نیز به دو دلیل عمده در کنار سایر دلایل رشد خواهد کرد؛ دلیل اول اینکه آذربایجان به فناوری و حمایت اسرائیل نیاز دارد. دوم، آذربایجان متحد خوبی برای دولت یهود در جهان اسلام است تا زمانی که خصومت‌ها بین تهران و اورشلیم ادامه داشته باشد (Abbasov & Souleimanov, 2022: 145).

۲-۳. تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی

از شروع جنگ دوم قره‌باغ تا اتمام جنگ سوم قره‌باغ روابط ایران و آذربایجان در مسیر تنش قرار گرفت؛ اما بعد از جنگ سوم بود که این دو کشور گام‌های مثبتی برای مدیریت تنش و برقراری روابط مناسب برداشتند. رقابت ترکیه با ایران در قفقاز جنوبی تحت تاثیر جنگ دوم و سوم قره‌باغ افزایش پیدا کرد و از جنبه‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر آنکارا منافع تهران در قفقاز جنوبی را تهدید کرد. گسترش نفوذ اسرائیل در قفقاز جنوبی مورد دیگری بود که در قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر با ایران در قفقاز جنوبی به‌ویژه در کشور آذربایجان قرار گرفت و موجب کاهش روابط ایران و آذربایجان شد. ایران در این جنگ‌ها آشکار شد که توسط روسیه از تحولات قفقاز جنوبی کنار گذاشته شده است. با این حال بعد از جنگ دوم قره‌باغ روابط ایران و ارمنستان تقویت شد، به طوری که یک موازنه تهدید بین این دو کشور علیه محور آنکارا-باکو-اورشلیم در قفقاز جنوبی شکل گرفت؛ برای ارمنستان، روابط با ایران موضوع بقا است، زیرا از دو طرف مسدود شده است و برای ایران نیز، ارمنستان پله‌ای برای نفوذ در قفقاز جنوبی و چون سنگری در مقابل اهداف محور یاد شده است. در کل موقعیت جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی به دنبال این جنگ‌ها تضعیف شده است.

۳. سرریز جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ بر معادلات غرب آسیا (خاورمیانه)

حضور سه قدرت اصلی غرب آسیا، ایران در کنار ترکیه و اسرائیل، در قفقاز جنوبی و تحولات آن که بر منافع هر سه کشور تاثیر مستقیم دارد، این امکان را پیش می‌کشد که نتایج تحولات قفقاز جنوبی بر معادلات این سه کشور در غرب آسیا تاثیر بگذارد. این امر در حالی تقویت می‌شود که خروج ایالات متحده امریکا از غرب آسیا به قدرت‌های منطقه‌ای آن فرصت رقابت بیشتر برای تسلط بر منطقه را داده است (Alhasawi, 2021).

۱-۳. تشدید رقابت ایران و ترکیه

در عراق نوعی توازن بین نفوذ و حضور ایران و ترکیه تحت حاکمیت دو جریان متفاوت اسلام‌گرا وجود دارد. ترکیه و ایران همواره از بازیگران و گروه‌های سیاسی متفاوت در عراق حمایت کرده‌اند. عراق بعد از صدام و تشکیل دولت شیعی در آن فرصت مناسبی برای حضور ایران در این کشور را رقم زد (طاهری و غفوری، ۱۳۹۹: ۶۲). البته تفرقه بین گروه‌های شیعه در عراق و تضعیف تسلط ایران بر سیاست شیعی، فرصت را برای افزایش نفوذ ترکیه در این کشور قرار داده است. افزایش نفوذ سیاسی و اقتصادی ترکیه در عراق، به‌خصوص با ایجاد کریدور احتمالی متصل‌کننده بندر فاو عراق به ترکیه، گسترش حضور نظامی این کشور در منطقه را به همراه خواهد داشت (Azizi & Çevik, 2022: 5). در کردستان عراق شرایط به گونه‌ای است که مواضع ترکیه نسبت به ایران تقویت می‌شود (منتی و صفوی همای، ۱۴۰۲: ۱۳). احزاب اصلی در کردستان عراق نگرشی سکولار دارند و برخی احزاب دیگر چون احزاب اسلام‌گرا نیز سیاست ترکیه سکولار را نسبت به ایران ترجیح می‌دهند (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶-۱۶). علاوه بر این، فعالیت مجدد خط لوله انتقال نفت کرکوک به جیحان که نفت کردستان عراق را به ترکیه می‌رساند و از آنجا نیز از مسیر دریایی به بندر آشکلون انتقال می‌یابد در کنار حضور شرکت‌های متعدد ترکیه در کردستان عراق موجب تقویت روابط اقتصادی ترکیه با این منطقه شده است (همان: ۹).

شکل ۲: خط لوله کرکوک-جیحان و مسیر کشتیرانی بندر جیحان به بندر آشکلون



(نگارندگان)

ترکیه و ایران در مورد مسئله کردها در غرب آسیا دارای برخی منافع همگرا هستند. هر دو کشور اقلیت‌های کرد قابل توجهی در خاک خود دارند و نمی‌خواهند شاهد ظهور یک دولت مستقل کردی در عراق و منطقه باشند (Alhasawi, 2021). از این رو، آنکارا از حزب دموکرات کردستان (KDP) که تحت کنترل خانواده بارزانی است و تهران از اتحادیه میهنی کردستان (PUK) تحت کنترل خانواده طالبانی حمایت می‌کند. این حمایت از نظر جغرافیایی نیز معنی می‌یابد؛ حزب دموکرات کردستان کنترل بخش‌هایی از اقلیم کردستان را در نزدیکی مرز ترکیه در اختیار دارد در حالی که حزب اتحادیه میهنی کردستان مناطقی را در امتداد مرز ایران کنترل می‌کند (Azizi & Çevik, 2022: 6). با وجود اختلافات میان نخبگان کرد، حیاتی بودن رابطه با ترکیه در بین آنها مورد مناقشه نیست. هر گونه تغییر در این رابطه مستقیماً بر قدرت حکومت اقلیم کردستان (KRG) در مقابل بغداد و دیگران چون ایران تأثیر می‌گذارد. وابستگی بیش از حد اقلیم کردستان به ترکیه بر سیاست درون کردی و وضعیت کردستان عراق در عراق و منطقه تأثیر می‌گذارد (Aziz, 2023).

حضور پ.ک.ک (PKK) به عنوان سومین نیروی کرد در شمال عراق، رقابت تهران و آنکارا را پیچیده می‌کند. پ.ک.ک عملاً دارای سه حوزه نفوذ امنیتی و سیاسی در منطقه است که شامل اردوگاه‌های آوارگان کردهای ترکیه در منطقه مخمور در جنوب استان اربیل، مناطق ایزدی‌نشین در منطقه سنجار در غرب استان نینوا و رشته کوه در ارتفاعات خاکورک، متینا و قندیل در مثلث مرزی با ترکیه و ایران است. در حالی که ترکیه در جلب حمایت حزب دموکرات کردستان در مبارزه با پ.ک.ک مشکلی ندارد، اتحادیه میهنی کردستان به طور سنتی روابط بهتری با این گروه داشته است (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۴). همگرایی بین اتحادیه میهنی کردستان، مورد حمایت ایران، و پ.ک.ک این تصور را در ترکیه افزایش می‌دهد که تهران از پ.ک.ک برای به دست آوردن اهرم فشار علیه آن استفاده می‌کند (Azizi & Çevik, 2022: 6).

شکل ۳: موقعیت جغرافیایی مناطق تحت کنترل احزاب KDP و PUK در عراق



(نگارندگان)

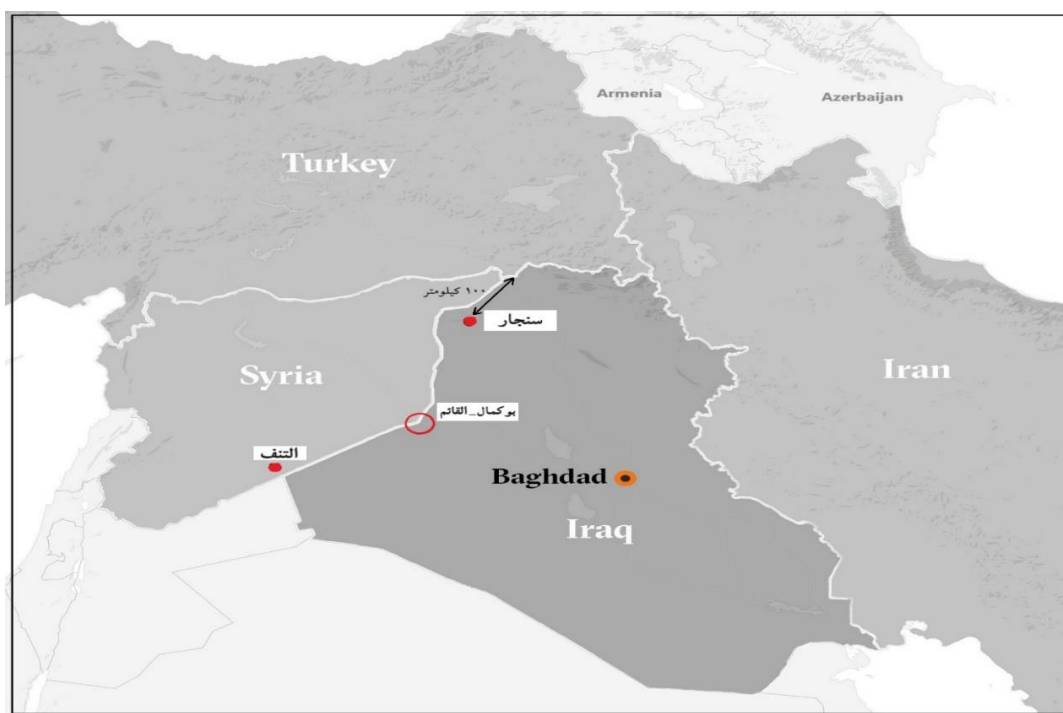
ترکیه که در شمال عراق نگران ایجاد کشور جدید کردستان و تهدید تمامیت ارضی خود توسط کردها بوده است، از یک طرف با حملات نظامی به مناطق کردنشین عراق این جنبش را مورد هدف قرار داده است (مظاهری، ۱۴۰۲). از طرف دیگر، آنکارا به دنبال فعالیت‌های ترکی‌سازی و حمایت از ظرفیت‌های زبان ترکی در بین مردمان شمال عراق چون ترکمن‌های منطقه نفتی کرکوک بوده است (عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). در حال حاضر ترکیه بیش از ۴۰ پایگاه نظامی و اطلاعاتی در داخل خاک عراق دارد که برخی از آنها تا ۴۰ کیلومتری مرز ترکیه و عراق قرار دارند. این عوامل روشن می‌کند که آنکارا قصد دارد بخشی از عراق را به یک منطقه حائل دائمی تبدیل کند (Aziz, 2023). ایران برای مهار نفوذ فزاینده اقتصادی، سیاسی و امنیتی ترکیه در عراق از نیروهای نظامی مورد حمایت خود در عراق استفاده می‌کند. افزایش فعالیت نظامی آنکارا در شمال عراق که یکی از اهدافش مبارزه با پ.ک.ک است، نیروهای عراقی مورد حمایت ایران و پ.ک.ک را در مقابل ترکیه به هم نزدیک کرده است (Yazici et al, 2022).

نفوذ امنیتی ترکیه بعد از سال ۲۰۲۰ و ایجاد پایگاه نظامی و افزایش همکاری امنیتی خود با عراق، جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مورد حمایت آن در عراق را نگران کرده است. گروه‌های مورد حمایت ایران در عراق چون کتائب حزب‌الله در بهمن ۱۴۰۰ بیانیه‌ای منتشر کرد و از آنکارا خواست که نیروهای خود را از عراق خارج کند و احرار سنجار را به دلیل یکی از حملاتش علیه نیروهای ترکیه

در بشیقه^۱ نفت خیز، یک شهر مسیحی در نزدیکی موصل، تحسین کرد. همچنین قیس الخزعلی، رهبری عصاب اهل الحق، اظهار داشت که حضور نظامی ترکیه در عراق تهدیدی بزرگتر از حضور نیروهای آمریکایی است. از این رو، از اسفند ۱۴۰۱ حداقل ۱۳ حمله شبه نظامیان عراقی علیه مواضع ارتش ترکیه در شمال عراق انجام گرفته است. گروهی به نام احرار سنجار مسئولیت حداقل دو حمله در سال ۱۴۰۰ را به تلافی حملات هوایی ترکیه علیه اهداف کرد و ایزدی در شمال عراق بر عهده گرفته است (Yazici et al, 2022). در یکی از آخرین تنش‌ها بین ترکیه و گروه‌های شمال عراق، در تاریخ ۹ مهر ۱۴۰۲ عملیات انتحاری نزدیک وزارت کشور ترکیه در آنکارا به وقوع پیوست. ترکیه پ.ک.ک را عامل این عملیات معرفی کرده و چند روز بعد حدود بیش از ۳۰ موضع این گروه را در شمال عراق بمباران کرد (URL 1).

سنجار به دلیل موقعیت استراتژیک خود در مرکز چندین درگیری داخلی، منطقه‌ای و جهانی از جمله درگیری‌های ترکیه و ایران، آمریکا و ایران، ترکیه و پ.ک.ک و روابط عراق و ترکیه قرار دارد (Aziz, 2023). سنجار در حوزه نفوذ گروه پ.ک.ک قرار دارد و ترکیه با حمله به این گروه در منطقه سنجار از یک طرف به دنبال از بین بردن ارتباط زمینی این گروه به سوریه است و از طرف دیگر به دنبال سیاست نوعثمانی خود در نظر دارد مناطق تحت کنترل خود در سوریه و عراق را به هم متصل کند. از این رو علاوه بر به خطر افتادن منافع شبه نظامیان کرد (PKK) منافع ایران نیز توسط ترکیه تهدید می‌شود. سنجار دسترسی آسان‌تر به سوریه و سپس لبنان را در اختیار ایران و نیروهای مورد حمایت او قرار می‌دهد. این نکته با توجه به اینکه گذرگاه مرزی القائم-البوكمال جنوبی به عنوان راه اصلی عبوری ایران و نیروهای مورد حمایت آن به طور فزاینده‌ای هدف حملات هوایی و موشکی اسرائیل قرار گرفته، قابل توجه است. آنکارا و بغداد در سال ۲۰۲۰ به توافقی برای اخراج پ.ک.ک از منطقه سنجار رسیدند و این امر برای تهران به منزله تهدیدی برای حذف شدن از ترتیبات امنیتی شمال عراق بود؛ از این رو، منافع ایران و شبه نظامیان کرد در منطقه سنجار علیه ترکیه به هم نزدیک شده است (Azizi & Çevik, 2022: 5).

شکل ۴: موقعیت سنجار، القائم-بوکمال و التنف روی نقشه عراق



(نگارندگان)

۲-۳. همگرایی آذربایجان و اقلیم کردستان عراق

همکاری‌های انرژی و نظامی-امنیتی نقش مهمی در توسعه روابط اسرائیل و اقلیم کردستان داشته به طوری که اقلیم کردستان در ۲۰۲۲، ۳۸ درصد نفت خود را به اسرائیل فروخته است (URL 2). اسرائیل تنها بازیگری است که به صراحت از استقلال کردستان عراق حمایت می‌کند، اما این حمایت اهداف دیگری را دنبال می‌کند که از آن جمله انتقال تهدیدات امنیتی از مجاورت جغرافیایی سرزمین‌های اشغالی فلسطین به مرزهای ایران، تجزیه عراق و به دنبال آن تجزیه ایران، ترکیه و سوریه است که از این طریق ایجاد کردستان بزرگ را در پی دارد. در مقابل جمهوری اسلامی تغییر ژئوپلیتیک در منطقه و تجزیه کشورهای غرب آسیا را امری غیر قابل قبول می‌داند (Rajabi, 2021: 580). حضور اسرائیل در اقلیم کردستان علیه منافع ملی و منطقه‌ای ایران است چرا که این دو بر اساس درک اینکه دشمن دشمن من دوست من است، ایران را به‌عنوان دشمن مشترک و عامل همگرایی خود در نظر گرفته‌اند (خاطرخواه آناقیز و پوستینچی، ۱۴۰۱: ۶۲-۶۴). در واقع اسرائیل تغییر ژئوپلیتیک را تنها راه‌حل بحران امنیتی خود در منطقه می‌داند. این به آن معنا است که تشکیل دولت‌های کوچک و ضعیف با درجه‌ای از انسجام داخلی امنیت بیشتری را برای آنها فراهم می‌کند (Rajabi, 2021: 576-577). ترکیه نیز با جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان عراق روابط تنگاتنگی دارد و به دنبال اهداف و رقابت منطقه‌ای

خود در قفقاز جنوبی و غرب آسیا با ایران از ایجاد و گسترش روابط باکو و اربیل حمایت کرده است. ترکیه همچنین به دنبال گرم شدن روابط خود با اسرائیل است و از پیمان ابراهیم که هدف عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی خلیج فارس را به همراه دارد، حمایت می کند (Alaca, 2023).

روابط تهران و اربیل در سال های اخیر همواره پر تنش بوده است. سیاست های ایران در قبال حکومت اقلیم کردستان (KRG) تحت تأثیر دو نگرانی راهبردی قرار گرفته است؛ اول، جلوگیری از گسترش ناسیونالیسم پان کردی در میان کردهای ایران و دوم، متقاعد کردن حکومت اقلیم کردستان برای محدود کردن فعالیت های گروه های مسلح کرد ایرانی مانند حزب دموکرات کردستان ایران (KDPI)، کومله و حزب زندگی آزاد (پژاک) در کردستان عراق (Entessar, 2018: 75-76). برگزاری همه پرسی در سال ۲۰۱۷ در منطقه اقلیم کردستان نیز بر تحرکات تجزیه طلبانه اکراد در داخل ایران و همچنین اقلیم کردستان افزود که پس از چندین درگیری بین نیروهای ایرانی و گروه های جدایی طلب مسلح کرد، ایران در سال ۲۰۱۸ با موشک و پهپاد به مقر آنها در کردستان عراق حمله کرد (URL 3). در مهر ۱۴۰۱ نیز در پی فعالیتی که مقامات نظامی ایران آن را ورود تیم های مسلح و حجم بالای سلاح توسط گروهک های تروریستی کومله و دموکرات به شهرهای مرزی کشور برای ایجاد اغتشاش و آشوب داخلی دانستند، دوباره ایران به مقر این گروهک ها در اقلیم کردستان حمله کرد.

در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ در ۱۸ بهمن ۱۴۰۱، نچروان بارزانی رئیس جمهور اقلیم کردستان عراق و الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان با یکدیگر دیدار و بر گسترش روابط میان سیاست های متبوع خود تأکید کردند. پس از این دیدار، علی اف رسماً از بارزانی دعوت کرد تا به باکو سفر کند، همچنین باکو اعلام کرد که قصد دارد کنسولگری خود در منطقه کردستان عراق را در آینده نزدیک بازگشایی کند (URL 4). در تاریخ ۲۷ تیر ۱۴۰۲ بارزانی مهمان علی اف در باکو شد و بر لزوم توسعه روابط در بخش های اقتصادی، انرژی، گردشگری و امنیتی تأکید کردند. این دو در ۷ خرداد ۱۴۰۲ در آنکارا و در مراسم تحلیف اردوغان به عنوان رئیس جمهور ترکیه نیز با یکدیگر دیدار کرده بودند. چند روز بعد از این دیدار بارزانی این بار در عراق از نصیر ممدوف، کاردار سفارت آذربایجان در عراق، استقبال و میزبانی کرد (Alaca, 2023).

به این ترتیب روابط جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان روز به روز گسترش یافته و به هم نزدیک شدند. در واقع، احساس تهدید مشترک از سمت ایران، آذربایجان و اقلیم کردستان را به هم نزدیک کرده است. پویایی بین باکو و اربیل می تواند بر سیاست داخلی ایران تأثیر بگذارد. تهران معتقد است

جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان به پایگاه‌های نیابتی اسرائیل تبدیل شده‌اند و از این کشورها به‌عنوان «اسرائیل دوم» یاد می‌کند (افقهی، ۱۴۰۱). هرچند محور باکو-اربیل نمی‌تواند به طور مستقل برای ایران چالش پایدار ایجاد کند اما حمایت و حضور اسرائیل در کنار آنها علیه ایران چالش برانگیز است. روابط اسرائیل، آذربایجان و اقلیم کردستان نشان‌دهنده گسترش نفوذ استراتژیک اسرائیل و ایجاد یک محور موازنه علیه ایران است. این در حالی است که ایران پیش از این خط فشار بر اسرائیل را به دریای مدیترانه رسانده بود؛ تهران با حمایت از گروه‌های فلسطینی مانند حماس و جنبش جهاد اسلامی در کنار حزب‌الله لبنان تلاش می‌کرد تا لبنان و نوار غزه را به خاکریزهای دفاعی علیه اسرائیل تبدیل کند (Azizi et al, 2020: 8-11).

در حال حاضر عمق استراتژیک اسرائیل در کشور آذربایجان و همچنین در اقلیم کردستان عراق شکل گرفته است. اسرائیل کوشیده است با پشتیبانی از گروه‌های تجزیه‌طلب و تحریک شکاف‌های قومیتی در ایران، نظام جمهوری اسلامی را از درون به چالش بکشد. همان‌طور که در آذربایجان با تحریک ترکان آذری در شمال غرب ایران فعالیت می‌کند، با ابزار قرار دادن اقلیم کردستان نیز کردهای غرب ایران را تحریک کرده است. از این رو، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این فعالیت‌های اسرائیل در اقلیم کردستان در ۲۲ اسفند ۱۴۰۰، ۱۲ موشک بالستیک کوتاه برد را به سمت یک پایگاه اطلاعاتی اسرائیل در نزدیکی اربیل عراق شلیک کردند (Yazici et al, 2022). در حال حاضر اسرائیل حضور ایران در لبنان را توانسته است با حضور خود در اقلیم کردستان عراق و روابط تهران با دمشق را با گسترش روابط اورشلیم با باکو جبران کند (دارینی و نورمحمدی، ۱۴۰۲: ۱۷۱). گرم شدن روابط اسرائیل با ترکیه، عادی‌سازی کشورهای عربی خلیج‌فارس با اسرائیل بر اساس پیمان ابراهیم، حضور و نفوذ اسرائیل در آذربایجان و اقلیم کردستان و در نهایت پیوند آذربایجان و اربیل با حمایت‌های ترکیه و اسرائیل باعث احاطه ایران با موجی از تهدیدات چند لایه در مناطق قفقاز جنوبی و غرب آسیا به‌خصوص از طرف اسرائیل بیشتر و ترکیه کمتر شده است (Alaca, 2023).

۳-۳. تاثیر بر بازیگران عرب غرب آسیا

تحت تأثیر قرار گرفتن منافع سه قدرت اصلی غرب آسیا یعنی ایران، ترکیه و اسرائیل در درگیری قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳، سایر بازیگران غرب آسیا را نیز به این مسئله ترغیب کرد. تضاد بین آذربایجان و ارمنستان و همچنین پیامدهای محلی آن، به خودی خود، منافع و توانایی‌های عربستان، مصر، قطر و امارات را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. در عوض، نتایج این درگیری و تأثیرات بالقوه آن بر توزیع قدرت

در سراسر غرب آسیا بود که باعث شد این کشورهای عربی برای مشارکت فعال‌تر از موضع تماشاگر بودن خودداری کنند.

اقدامات قاهره، ابوظبی و دوحه به نوبه خود با نقش اصلی ترکیه در مناقشه قره‌باغ پیش‌بینی شده بود. مصر و امارات هر دو مواضع طرف‌دار ارمنستان را اتخاذ کردند، نه به این دلیل که قاهره و ابوظبی از اشغال قره‌باغ توسط ارامنه حمایت کنند، بلکه به این دلیل که امیدوار بودند این درگیری باعث کاهش قدرت ترکیه شود. برعکس، قطر بی‌طرف ماند که نشان‌دهنده روابط خوب خود با دو کشور درگیر در جنگ و همچنین حامیان آنها، ایران و روسیه در مورد ارمنستان و ترکیه در مورد آذربایجان بود (Cannon, 2022: 414-430). علاوه بر این موارد افزایش تهدیدهای ترکیه یکی از دلایلی می‌تواند باشد که ایران را واداشت رفتار دوستانه‌تری را در قبال دیگر همتای منطقه‌ای خود، عربستان سعودی، دنبال کند، چرا که مقامات سعودی هرگز ادعای ترکیه مبنی بر نقش رهبری سیاسی در جهان اسلام سنی را تحمل نخواهند کرد. از این رو دو کشور عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند (Khachatryan & Voskanyan, 2021: 30).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موازنه قدرت جدید شکل گرفته در قفقاز جنوبی بعد از جنگ‌های قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ منجر به تقویت اسرائیل، ترکیه و آذربایجان و تضعیف موقعیت و کم‌رنگ شدن حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران شده است.

جنگ دوم و سوم قره‌باغ واقعیت‌های ژئوپلیتیکی جدیدی را برای ترکیه و آذربایجان ایجاد کرد. پیروزی آذربایجان در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳، محور باکو-آنکارا را تقویت کرد. این چنین نفوذ ترکیه در این منطقه افزایش یافت به طوری که به ترکیه اجازه داد تا به دنبال منافع، سیاست اقتصادی و انرژی خود در منطقه دریای کاسپین و آسیای مرکزی باشد. حضور نظامی آنکارا در قره‌باغ و قدرت نظامی آن وضعیت موازنه قدرت نظامی را در منطقه قفقاز جنوبی در مقابل نیروهای مسکو برای باکو ایجاد کرد. ترکیه به‌عنوان یک دولت آونگی بعد از جنگ دوم و سوم قره‌باغ و با کم‌رنگ شدن محور غربی در قفقاز جنوبی، موقعیت بین‌المللی خود را نیز تقویت کرد و کارت بازی به دست آورد تا در این منطقه بتواند از آن در مقابل اهداف محور غرب استفاده کند. به‌علاوه اینکه گرجستان بیشتر به ترکیه در شرایط جدید نزدیک خواهد شد. در کل به نظر می‌رسد ترکیه بیشترین منفعت و سود را از تحولات منطقه قفقاز جنوبی به دست آورده باشد.

اسرائیل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران تحولات قفقاز جنوبی بود. این کشور در قالب یک بازیگر غیر منطقه‌ای توانست بر خلاف سیاست منطقه‌گرایی روسی در قفقاز جنوبی حضور داشته و نفوذ خود را افزایش دهد. حضور اسرائیل و گسترش نفوذ آن در آذربایجان از نشانه‌های تغییر موازنه قدرت در قفقاز جنوبی و مسئله‌ای چالش برانگیز در ایجاد روابط منطقه‌ای واحدهای سیاسی قفقاز جنوبی بوده است. اما در مقابل، در این جنگ ارمنستان تنها کشوری نبود که پذیرای شکست شد؛ لوک کافی^۱، مدیر بنیاد هریتیج، ایران را «بازنده بزرگ در جنگ دوم قره‌باغ» در کنار ارمنستان در نظر گرفت (Coffey, 2020). به این ترتیب تحولات ژئوپلیتیکی ایجاد شده در قفقاز جنوبی بر روابط ژئوپلیتیکی بین بازیگران و ایجاد موازنه قدرت جدید تاثیرگذار بوده است. با توجه به اینکه ایران، ترکیه و اسرائیل به‌عنوان سه قدرت غرب آسیا در قفقاز جنوبی تحت تاثیر تحولات قرار گرفته بودند به نظر می‌رسید که تحولات قفقاز بر معادلات غرب آسیا بین این سه کشور تاثیرگذار باشد.

نتیجه

یافته‌های مقاله نشان داد که تحولات قفقاز جنوبی به دنبال جنگ‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ قره‌باغ دربردارنده مواردی است که سرریز تحولات قفقاز جنوبی به غرب آسیا را رقم زده که از آن جمله عبارت هستند از: تشدید تنش‌های جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، تقویت قدرت جمهوری آذربایجان، مستحکم شدن روابط باکو با آنکارا، گسترش روابط باکو با اورشلیم و تاثیر تحولات قفقاز جنوبی بر منافع منطقه‌ای سه قدرت اصلی غرب آسیا که منجر به تقویت ترکیه، گسترش نفوذ اسرائیل و در نهایت تضعیف منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی شده است.

سرریز جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ در قفقاز جنوبی به غرب آسیا در وهله اول موجب ایجاد روابط ژئوپلیتیکی مبتنی بر همگرایی جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان عراق و ایجاد موازنه تهدید آنها به دنبال مجاورت، قابلیت تهاجمی و احساس تهدید مشترک از جانب جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این امر ترکیه و بیشتر اسرائیل به‌عنوان کاتالیزور برای نزدیک کردن جمهوری آذربایجان و اقلیم کردستان عمل کرده‌اند. دوم، رقابت تهران و آنکارا که به یک بازی حاصل جمع جبری صفر در عراق و سوریه در راستای منافع ژئوپلیتیک در جریان بود را تشدید و پررنگ کرده است. ترکیه در عراق نیز

چون قفقاز جنوبی به دنبال افزایش نفوذ سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود و پیگیری کريدورهای منطقه‌ای است که منزوی کردن ایران از نظر ژئواکونومیکي در منطقه را می‌تواند در پی داشته باشد. سوم، تهران به آنکارا با فعال کردن نیروهای شبه نظامی و مقاومت مردمی در عراق واکنش داده است. چهارم، گروه پ.ک.ک به حزب میهنی کردستان و نیروهای مورد حمایت ایرانی در عراق در راستای ایجاد موازنه تهدید با توجه به مجاورت، درک تهدید مشترک و نيات تهاجمی از سمت ترکیه در مجاورت آنها به یکدیگر نزدیک شده است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اخباری، محمد (۱۴۰۰)، «پیامد ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران در قفقاز»، آمایش سیاسی فضا، ۳(۱)، ۲۰-۳۱.
- ۲- اسماعیلی، بشیر؛ نیلوفر حمدی و اسماعیل شفیعی (۱۴۰۰)، «رابطه حزب عدالت و توسعه ترکیه با حکومت کردستان عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸»، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۴۷)، ۳۸-۵۴.
- ۳- باویر، حسن (۱۴۰۰)، «ژئوپلیتیک رسانه ملی و نقش آن در همگرایی شیعیان خاورمیانه»، مطالعات خاورمیانه، ۱۰۵(۲۸)، ۱۱۵-۱۴۲.
- ۴- پوراحمدی میدی، حسین و مهدی فیض‌اللهی (۱۴۰۲)، «تشدید تنش در قره‌باغ و چالش منافع منطقه‌ای ایران در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳»، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۶(۲)، ۷۵-۱۰۰.
- ۵- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۶- خاطرخواه آناقیز، علی و زهره پوستینیچی (۱۴۰۱)، «اسرائیل؛ استقلال‌خواهی کردستان عراق و تهدیدات آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۲(۴)، ۳۹-۶۷.
- ۷- دارینی، علی اکبر و مرتضی نورمحمدی (۱۴۰۲)، «بررسی راهبرد موازنه فراگیر اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۶(۵۸)، ۱۶۱-۱۸۹.
- ۸- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۷۶)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- طاهری، ابراهیم و اکبر غفوری (۱۳۹۹)، «جمهوری اسلامی ایران و گفتمان منطقه‌گرایی اسلامی با رویکرد شبکه‌ای در خاورمیانه»، مطالعات خاورمیانه، ۲۷(۲)، ۶۸-۴۹.
- ۱۰- عبدالله‌پور، محمدرضا؛ محمد اخباری و محمد کرمی راد (۱۳۹۳)، «خرده میدان کردستان عراق، عرصه رقابت میدان‌های منطقه‌ای ایران و ترکیه»، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۷(۱)، ۱-۱۹.
- ۱۱- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۶)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- ۱۲- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۸)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران، انتشارات سمت.

- ۱۳- مجتهدزاده، پیروز و هاشم امیری (۱۴۰۰)، «تغییر نقشه استراتژیک خاورمیانه؛ فرصتی در راستای حفظ مزایای ژئوپلیتیکی ایران»، قلمروهای جغرافیایی قرن جدید، ۱(۱).
- ۱۴- محموداوغلی، رضا؛ مرتضی ابراهیمی و حسین فتاحی اردکانی (۱۴۰۱)، «جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها»، مجله سیاست دفاعی، ۳۱(۱۱۹)، ۱۰۳-۶۹.
- ۱۵- منتی، ایوب و سید حمزه صفوی همای (۱۴۰۲)، «دیپلماسی اقتصادی و رقابت‌های ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در عصر پسا داعش؛ بازارها و فرصت‌ها»، مطالعات خاورمیانه، ۳۰(۲)، ۴۷-۲۷.

منابع غیر فارسی

- 1- Abbasov, N., & Souleimanov, E. A. (2022), Azerbaijan, Israel, and Iran: An Unlikely Triangle Shaping the Northern Middle East, Middle East Policy, 29(1), 139-153. doi.org/10.1111/mepo.12611
- 2- Askerov, A., & Ibadoghlu, G. (2022), The Causes and Consequences of the Second Karabakh War: September 27, 2021–November 10, 2021, In The Nagorno-Karabakh Conflict (pp. 245-271). Routledge. doi.org/10.4324/9781003261209-15
- 3- Avdaliani, E. (2022), New World Order and Small Regions: The Case of South Caucasus, Springer Nature. doi.org/10.1007/978-981-19-4037-8
- 4- Azizi, H., & Çevik, S. (2022), Turkish and Iranian involvement in Iraq and Syria: Competing strategies, rising threat perceptions, and potentials for conflict, (No. 58/2022). SWP Comment. doi.org/10.18449/2022C58
- 5- Azizi, H., Golmohammadi, V., & Vazirian, A. H. (2020), Trump's "maximum pressure" and anti-containment in Iran's regional policy, Digest of Middle East Studies, 29(2), 150-166. doi.org/10.1111/dome.12219
- 6- Cannon, B. J. (2022), The Arab States and the Karabakh War, The Nagorno-Karabakh Conflict: Historical and Political Perspectives, 402.
- 7- Dadparvar, S., & Azizi, S. (2020), Exploring Turkey's Strategic Goals in Caucasus Region During the 2020 Nagorno-Karabakh Crisis, International Relations, 8(11), 475-482.
- 8- Entessar, N. (2018), Uneasy Neighbors: Iran and the Kurdish Regional Government, Journal of South Asian and Middle Eastern Studies, 41(2), 73-84.
- 9- Idan, A., & Shaffer, B. (2021), Israel's Role in the Second Armenian Azerbaijan War, The Karabakh Gambit: Responsibility for the Future, 190.
- 10- Khachatryan, M., & Voskanyan, H. (2021), Nagorno-Karabakh War and Humanitarian Crisis: Legal and Political Implications for the International Community, DREPTURILE OMULUI ANUL XXXI NR., 18.
- 11- Koç, E. (20 June 2023), Insight 298: Expanding Israel-Azerbaijan Ties and Impact on Iran-Azerbaijan Relations.
- 12- Mallick, P. K. (2021), Armenian-Azerbaijani Conflict over Nagorno Karabakh: Geopolitical Implications, Vivekananda International Foundation 3, San Martin Marg, Chanakyapuri, New Delhi – 110021. doi.org/10.1057/978-1-137-60006-6_6
- 13- Meister, S. (2021), Shifting Geopolitical Realities in the South Caucasus, Reports, SCREEUS, Stockholm: SCREEUS, November, 1-14.
- 14- Morgenthau, H. J. (1948). Politics among nations: The struggle for power and peace. Revised edition by Kenneth W. Thompson, New York: Knopf.
- 15- Nakanishi, H. (2023), Impacts of the Second Karabakh War on the South Caucasus Region: Iran-Azerbaijan Relations, Global Resource Management, 26.

- 16- Rajabi, M. (2021), Iraqi Kurdistan and the War Between Iran and the Zionist Regime: An Analytical Review, Iranian Review of Foreign Affairs, 12(34), 556-584. doi: 10.22034/irfa.2021.162044
- 17- Walt, S. M. (2013). The origins of alliance, Cornell University Press.

منابع اینترنتی

- 1- Alaca, Mehmet. (2023), Deep Dive: Iran, Israel, Turkey and the growing Baku-Erbilrelationship, <https://amwaj.media> (Access Date: 2023/10/04).
- 2- Alhasawi, Saud. (2021), TURKEY AND IRAN GEOPOLITICAL APPROACHES IN THE MIDDLE EAST, <https://nesa-center.org> (Access Date: 2023/9/21).
- 3- Aziz, Sardar. (2023), Why Are Turkey-Iraq Relations Destined to Remain Limited, <https://epc.ae> (Access Date: 2023/09/08).
- 4- URL 1 (2023), Turkiye targets over 30 PKK positions in Iraqi Kurdistan, <https://new.thecradle.co> (Access Date: 2023/11/08).
- 5- URL 2 (2023), Last month, 38 percent of the Kurdistan Region's oil was sold to Israel, <https://drawmedia.net> (Access Date: 2023/10/04).
- 6- URL 3 (2018), Iran attacks Iranian Kurdish opposition group base in Iraq, <https://www.reuters.com> (Access Date: 2023/09/24).
- 7- URL 4 (2023), Ilham Aliyev met with head of Kurdistan Region of Iraq in Munich, <https://president.az> (Access Date: 2023/11/16).
- 8- Yazici, Ezgi. Coles, Zachary., & Carl, Nicholas, (2022), Iran File: Iran and Turkey face off in Iraq, www.criticalthreats.org (Access Date: 2023/10/20).

۹- افقهی، سیدهادی (۱۴۰۱)، اقلیم کردستان؛ اسرائیل دوم منطقه، www.vatanemrooz.ir (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷).

۱۰- مظاهری، محمد مهدی (۱۴۰۲)، روابط ایران و ترکیه؛ از تهدید و مهار تا همکاری، www.ipis.ir (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱).